

محور مقاومت نباید
در دام رژیم صهیونیستی بیفتداحمد دستمالچیان
سفیر پیشین ایران
در لبنان

در ابتدای امر باید به مناسبت شهادت آقای اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس، که از مجاهدان بزرگ عصر حاضر بود و در طول سالیان گذشته برای آزادی وطن خویش، فلسطین، جنگید و مجاهدی نستوه به حساب می آمد، تسلیت عرض کنم.

به نظر می رسد که رژیم صهیونیستی همچنان خط تشدید بحران را در منطقه خاورمیانه دنبال می کند تا شخصیتانی را از ریاست کیان فلسطینی کنار نرود. نتانیاهو مدت هاست که با تشنج آفرینی و دامن زدن به بحران ها می خواهد خود و کابینه ائتلاف جنگی خودش را در اسرائیل سر پا نگه دارد و به هر قیمتی حاضر است که با جنایت و خونریزی قدرت خود را استمرار بخشد. به نظر می رسد با این انتخاب و ترور شهید هنیه، بحران در خاورمیانه بسیار عمیق تر می شود. در شرایطی که دولت جدیدی در ایران سر کار آمده است و خط مشی جدیدی در سیاست خارجی در پیش گرفته است و قصد داشت بحران ها را مدیریت کند و می توانست در این راه با توفیق زیادی مواجه شود، اما رژیم صهیونیستی در نخستین گام نخستین ضربه کاری را به پیام صلح و دوستی و برادری در منطقه و جهان وارد کرد و راه مسعود پزشکیان، رئیس جمهور جدید ایران را در آینده بسیار سخت کرد.

این ترور، به ویژه با توجه به اینکه در پایتخت ایران و بلافاصله پس از مراسم تحلیف رئیس جمهور اسلامی ایران رخ داده است، بسیار هدفمند بود. رژیم صهیونیستی قصد دارد با تروری که سه شنبه شب در ضاحیه بیروت انجام داد و به نظر می رسد یکی از فرماندهان ارشد حزب الله لبنان را شهید کرد و تروری که با مبادا چهارشنبه در تهران انجام داد، منطقه را به طور کامل در آتش خشم، غضب و بحران فروبرد، که این کار قطعاً تبعات سنگینی هم برای این رژیم در پی خواهد داشت. اما رژیم صهیونیستی با استیصال تمام این کارها را انجام می دهد و در واقع چنین اقدامهایی نوعی خودکشی تدریجی سیاسی، امنیتی و نظامی است که این رژیم بدون دوراندیشی نسبت به تبعات سنگین آن دست به این اقدامها می زند. واقعیت این است که این اقدامها در بلندمدت اقدامهایی انتحاری محسوب می شوند.

مهم این است که محور مقاومت و به خصوص جمهوری اسلامی ایران با هوشیاری و زیرکی تمام این بحران ناخواسته را که رژیم صهیونیستی قصد دارد در منطقه تحمیل کند، به خوبی مدیریت کنند. جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت باید آگاه باشند که در آنچه رژیم صهیونیستی به عنوان دام در منطقه پهن می کند، گرفتار نشوند. جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت باید پاسخ جنایت های این رژیم را دقیق و حساب شده، در زمان مقتضی و شرایط مقتضی بدهند.

رژیم صهیونیستی هیچ سلاحی جز ترور و حذف فیزیکی شخصیت ها ندارد، اگر بنا بود که چنین اقداماتی در ۷۵ سال گذشته مؤثر باشد، تاکنون باید بارها گروه های مقاومت فلسطینی از بین می رفتند، چرا که این رژیم بسیاری از شخصیت های برجسته گروه های مقاومت فلسطینی را از طریق اقدامات تروریستی از میان برداشته است، اما هر زمان رژیم اسرائیل شخصیتی را حذف کرد، شخصیتی مهم تر، استوارتر و قاطع تر به میدان آمد و پرچم مبارزه را در دست گرفت. رژیم صهیونیستی در ترند حذف فیزیکی رهبران شکست خورده است و نمی تواند از این طریق توفیقی کسب کند. اسماعیل هنیه، مدت ها بود که در انتظار شهادت بود و در چندین گفت و گو و سخنرانی پیش بینی کرده بود که در معرض شهادت قرار دارد. اما تاریخ حماس نشان داده است که ترور رهبران این گروه، اثری بر اهداف و آرمان های آن بر جا نمی گذارد، همانگونه که به محض ترور شیخ احمد یاسین، آقای عبدالعزیز رنتیسی جانشین او شد و پس از ترور رنتیسی نیز رهبران بعدی حماس راه را ادامه دادند و قطعاً پس از شهادت اسماعیل هنیه، مجاهدی نستوه پرچم رهبری را در دست خواهد گرفت و این اقدام تروریستی تأثیری بر روند مبارزه با رژیم صهیونیستی نخواهد داشت، بلکه با عزمی راسخ تر و محکم تر این مسیر ادامه پیدا می کند و قطعاً روزهای آینده روزهای انتقام سخت حماس و محور مقاومت علیه جنایت های رژیم صهیونیستی خواهد بود.

محمد خواجهویی مدیر گروه مطالعات لبنان
پژوهشکده تحقیقات استراتژیک خاورمیانه در گفت و گو با هم میهن:ایران به دنبال
درگیری مستقیم نیست

خاورمیانه معتقد است که اسرائیل با ترور اسماعیل هنیه در تهران و فؤاد شکر در بیروت به دنبال پیروزی در معادلات امنیتی است. خواجهویی معتقد است که احتمالاً واکنش ایران از طریق نیروهای شبکه مقاومت خواهد بود و سیاست کلان ایران در اجتناب از ورود مستقیم به درگیری همچنان پابرجا است

فاطمه کلانتری
خبرنگار گروه دیپلماسی

محمد خواجهویی، تحلیلگر ارشد مسائل خاورمیانه و مدیر گروه مطالعات لبنان پژوهشکده تحقیقات استراتژیک



آقای پزشکیان برای پیشبرد رویکردش در سیاست خارجی که عبارت است از برقراری توازن در روابط خارجی و تنش زدایی با غرب، دچار چالش خواهد کرد. این اتفاقات ایران را ناگزیر خواهد کرد که به سمت درگیری بیشتر در معادلات امنیتی منطقه حرکت کند و هر چه ایران بیشتر وارد این معادلات شود طبیعتاً برنامه هایی از جنس پیشبرد تنش زدایی با غرب که نقطه شروعش با بهبود روابط با اروپا است، سخت خواهد شد. طبیعتاً با توجه به اینکه پیروزی آقای پزشکیان احتمال تقویت و بهبود روابط ایران و غرب را بیشتر می کرد مسلماً این مسئله باب میل اسرائیل و به خصوص جریان های راستگرا در اسرائیل نبود و یکی از اهداف انجام این عملیات در تهران به چالش کشیدن آقای پزشکیان در عرصه خارجی است.

یعنی عملاً اسرائیل بایک تیر دو نشان زد؟

دقیقاً. هم دولت ایران را دچار چالش کرد و هم در عرصه منطقه ای دست خودش را بازت کرد. درباره نحوه پاسخ به این عملیات، برآورد من این است که رویکرد کلان ایران مبنی بر اجتناب از ورود به درگیری مستقیم در منطقه همچنان پابرجا است. اما ایران نمی تواند بی تفاوت هم باشد. احتمالاً از طریق متحدان خودش در منطقه فشارهایی به اسرائیل وارد می کند. اما چالش این است که این عملیات هایی که محور مقاومت علیه

اسرائیل انجام می دهد هم سطح با اقدامات اسرائیل نیست. گروه های مقاومت هم اگر قرار باشد اقدامی بکنند به سمت گزینه های نظامی پیش خواهند رفت و توان شان برای انجام اقداماتی مبنی بر ترور اندک است. طبیعتاً عملیات جنگی و نظامی هم با چالش هایی روبه رو است و مهمترین شان خطر نقض همان سیاست کلان عدم ورود مستقیم ایران به جنگ مستقیم با اسرائیل است.

اگر برگردیم به لبنان، الان حزب الله هم یکی از فرماندهان ارشدش را از دست داده است. معمولاً وقتی که ایران مورد حمله اسرائیل قرار می گیرد همیشه این بحث مطرح می شود که ایران می تواند از طریق حزب الله پاسخ دهد. در حال حاضر شرایط را چطور می بینید؟

با توجه به اینکه سه شنبه حزب الله ضربه ای متحمل شده و چهارشنبه هم با ترور هنیه بخش دیگری از محور مقاومت ضربه ای متحمل شده است، بنابراین حزب الله ناگزیر به سمت پاسخ دادن به اسرائیل پیش خواهد رفت. به جهت اینکه حزب الله هم نمی خواهد در این عرصه ناکام باشد و نمی خواهد این موازنه به نفع اسرائیل تمام شود. چون اگر این اتفاق رخ دهد، برنده معادلات امنیتی، اسرائیل خواهد بود. حزب الله در روزهای آتی به سمت افزایش تنش حرکت خواهد کرد و احتمال اینکه تنش در منطقه افزایش پیدا کند زیاد است. البته معمولاً یکی از اهداف اصلی ترورهای بزرگ، زمینه سازی برای یک توافق سیاسی است. یعنی ممکن است زمینه برای تنش زدایی فراهم شود. به عبارتی یک ترور بزرگ می تواند شرایط را به نفع آن کسی که آن ترور را انجام داده تغییر دهد تا توافقی سیاسی حاصل شود. حالا اینکه یک شکلی از توازن شکل بگیرد که کسانی که ضربه خورده اند ناگزیر به رفتن به پای میز مذاکره شوند، موضوع دیگری است. اما به نظر من اساساً اقداماتی نظیر ترورهای بزرگ با هدف تغییر معادلات امنیتی با کمترین هزینه انجام می شوند. یعنی اگر اسرائیل اقدام خودش علیه حزب الله را از طریق حملات کور در بیروت یا شهرهای دیگر پیش می برد، طبیعتاً این کار هزینه بر بود. اما ترورها از آنجایی که نقطه زن هستند می توانند حامل پیام باشند و معادلات را تغییر دهند.

ممکن است در خصوص این سیاست هماهنگی بین آمریکا و اسرائیل وجود داشته باشد یا توجه به اینکه خبر حضور دستیار آقای بایدن در منطقه هم شنیده می شود؟

قطعاً ترورهایی از این جنس بدون تأیید آمریکایی ها نیست. به این نکته هم باید توجه داشت که آمریکایی ها در موضوع لزوم پیروزی اسرائیل در نبرد غزه هم نظر با اسرائیل هستند. چیزی که باعث تفاوت موضع آمریکا با اسرائیل بوده، این بوده که اسرائیل جنگ را از غزه فراتر نبرد. اما هر اقدامی که بتواند اسرائیل را در نبرد با فلسطینی ها پیروز کند و معادلات را در آن نقطه به پایان برساند، مورد خواست آمریکا هم هست. آمریکایی ها در یک چیز با اسرائیل مشترک هستند و آن اینکه به هیچ عنوان تمایل ندارند اسرائیل در مقابل محور مقاومت بازنده امنیتی باشد. اما آمریکا ترجیحش این است که اسرائیل از طریق پیروزی در مقابل حماس و احبای قدرت بازدارندگی اش در مقابل حزب الله به همین حد کفایت کند و تنش را فراتر نبرد. اما در اصل ماجرا تردیدی نیست که هر اقدامی که در جهت تحکیم اسرائیل در مقابل محور مقاومت باشد، آمریکا هم با آن همسو است.

اگر بخواهیم مرور کوتاهی بر ۱۰ ماه گذشته داشته باشیم، مجموعه تحولاتی که ما را به امروز رسانده چیست و آیا به رغم تلاش حزب الله برای مدیریت تنش، ممکن است تحولات چند روز گذشته آتش یک جنگ تمام عیار در این منطقه روشن کند؟

درگیری های بین حزب الله و اسرائیل از فردای عملیات ۷ اکتبر با تبادل آتشی که در مرزها صورت گرفت و شروع آن نیز از سوی لبنان بود، آغاز شد. این اقدام حزب الله اهداف متعددی را دنبال می کرد. از آن تاریخ تا امروز که قریب به ۱۰ ماه می گذرد، ما شاهد یک وضعیت تبادل آتش و درگیری بین دو طرف هستیم که به صورت کلی یک حالتی از کنترل و احتیاط در این درگیری حفظ شده است اما به صورت فزاینده رو به جلورفته است. به این صورت که هم محدوده درگیری از نظر وسعت افزایش پیدا کرده؛ به این معنا که در روزهای نخست از هر دو طرف، درگیری در ۵ کیلومتر از مرزها صورت می گرفت و هر چه به سمت جلور حرکت کردیم این محدوده از نظر وسعت افزایش پیدا کرده و تا ۱۵ و ۲۰ کیلومتر نیز از دو سوی مرز پیش رفته و حتی فراتر از این ها مواردی بوده که مناطقی مورد هدف قرار گرفته که خارج از این محدوده بودند. با این حال قالب درگیری در این محدوده بین ۵ تا ۱۵ کیلومتر بوده و شکل فزاینده داشته و از نظر نوع تسلیحاتی نیز که دو طرف مورد استفاده قرار داده اند و ضرباتی که به یکدیگر وارد کرده اند نیز شکل فزاینده ای داشته است. به عبارتی ما از ۱۰ ماه قبل شاهد درگیری هایی بودیم که در یک فرآیند روبه جلو و تصاعدی بوده و در عین حال دو طرف احتیاطی دارند که وارد درگیری گسترده نشوند. ما از روی آمار نیز می توانیم به خوبی متوجه شویم که شرایط امروز با درگیری های پیشین میان حزب الله و اسرائیل متفاوت است و شکل کنترل شده ای داشته؛ برای مثال، در جنگ سال ۲۰۰۶ که ۳۳ روز به طول انجامید، از نیروهای حزب الله و غیرنظامیان لبنانی، چیزی حدود ۱۲۰۰ نفر و از سمت اسرائیل نیز از غیرنظامی و نظامی، نزدیک به ۵۰۰ نفر کشته شدند که در برهه زمانی نزدیک به یک ماه بود. در طول ۱۰ ماه گذشته اما مجموع کشته شده های لبنانی تقریباً ۴۵۰ نفر بودند و از سمت اسرائیل نیز در مجموع

نگاه
پژوهشگر